

ORIGINAL ARTICLE

تحلیل علل و روش درمان بیماری‌های رحم از دیدگاه پزشکان تمدن اسلامی

Analyzing the Causes and Treatment of Reproductive Disorders in Women from the Perspective of Muslim Physicians

Asghar Montazerghaem¹, Masoud Kasiri², Zeinab Ahmadvand³, Fatemeh Alian⁴

- 1- Professor of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran
- 2- Assistant professor, University of Isfahan, Isfahan, Iran
- 3- Ph.D Student of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran
- 4- Ph.D Student of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Correspondence: Fatemeh Alian; Ph.D Student of history, University of Isfahan, Isfahan, Iran;
ahmadvand915@yahoo.com

Abstract

Obstetrics and Gynecology as one of the most important branches of modern medicine, enjoys a thousand-year history of the views of scientists and physicians of various civilizations of India, Greece, Iran and other nations. This field of study from ancient times, has been considered as one of the oldest professions in the world, dating back to the length of human life. Obstetrics and Gynecology, as an academic discipline, not only is related to the birth or pregnancy, but has also been playing an important role in the treatment of women.

According to historical resources, Islamic medicine is indebted to Greece and Rome, and many works of Islamic medicine root in Greek schools. It should be borne in mind that Greek medicine owes its turn to Mesopotamia, Egypt, Persia and India, respectively. In the Islamic period, based on Islamic law, specific instructions for the survival of human life, the importance of marriage and family formation and physical health of men and women are taken to a formal program. Many works in the field of midwifery and gynecology at the beginning of the Islamic period have been developed which are determined by examining the physicians of Islamic civilization, also known as the majority of uterine diseases. Dystocia, infertility and other diseases were treated among women.

اصغر منتظرالقائم^۱
مسعود کسیری^۲
زینب احمدوند^۳
فاطمه علیان^۴

- ۱- استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۳- دانش آموخته طب و داروسازی اسلامی و دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
- ۴- دانشجویی دوره دکتری تاریخ ایران دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

نویسنده مسئول: فاطمه علیان، دانشجویی دوره دکتری تاریخ ایران دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
ahmadvand915@yahoo.com



such physicians theoretically, have written treatises on midwifery and gynecology, or at least chapters of their books were dedicated to issues.

The present study is aimed at surveying Muslim Physician's views on the etiology and treatment plans for Uterus diseases. The dominant presupposition serves the fact that Muslim physicians were knowledgeable about such problems, and provided convenient clinical remedies to cure them. The analytic-descriptive nature of this study has taken advantage of library documents to describe various treatment plans and explain their diversities in managing Uterus-related issues. The study proceeds to conclude that most Muslim physicians agreed with each other on surgical and medicinal techniques to manage Uterus-related diseases; they did not believe in superstition or magic though.

Keywords: Obstetrics, Muslim Physicians, Ovary, Uterus

Received: 15 Aug 2016; Accepted: 1 Jan 2017; Online published: 8 Feb 2017

Research on History of Medicine/ 2017 Feb; 6(1): 37-52.

- 1- Ibne Khaldun, 1990: 820.
- 2- Bahadoran, 2012: 4.
- 3- Ibn abiosaibeh, 1970:77.
- 4- Najmabadi, 1996: 51.
- 5- Bahadoran, 2012: 4.

خلاصه مقاله

طب زنان و زایمان به عنوان یکی از مهم ترین شاخه های پزشکی امروزی و امدار پیشینه علمی هزار ساله ای از آرا و نظرات دانشمندان و طبیبان تمدن های گوناگون چون هندی، یونانی، ایرانی و دیگر ملل می باشد. این رشته یکی از قدیمی ترین حرفه ها در جهان محسوب می شود که قدمتی به درازای عمر بشر دارد. آثار فراوانی در زمینه مامایی و طب زنان از ابتدای دوره اسلامی تدوین گردیده است که با بررسی آنها مشخص می شود که پزشکان تمدن اسلامی، علاوه بر اینکه اکثر بیماری های رحمی را می شناختند و دشوارزایی، نازایی و دیگر بیماری های زنان را درمان می کردند، به طور نظری هم رساله هایی را درباره قابلگی و بیماری های زنان تالیف کرده اند و یا حداقل فصل هایی از کتب خود را به این موضوع اختصاص داده اند.

این پژوهش درصدد بررسی نظرات پزشکان مسلمان در مورد علل و درمان بیماری های رحم است و بحث خود را با این فرضیه ادامه داده است که پزشکان مسلمان اغلب بیماری های رحمی زنان را می شناخته اند و در این خصوص راه های درمانی را نیز به صورت بالینی پیشنهاد نموده اند. روش انجام این تحقیق، مطالعه توصیفی تحلیلی متکی بر منابع کتابخانه ای است. این پژوهش به دنبال تبیین نظرات گوناگون پزشکان مسلمان در خصوص بیماری های زنان و زایمان و پیشنهادات پزشکی آنان برای درمان این بیماری ها است. در پایان این تحقیق مشخص گردید که بیشتر پزشکان مسلمان بر روش دارویی و جراحی برای درمان بیماری های رحم اتفاق نظر داشته و تقریباً به روش های خرافی و امور جادوگری در این زمینه اعتقادی نداشته اند.

واژگان کلیدی: بیماری های زنان، پزشکان مسلمان، زهدان، تخمدان، رحم

مقدمه

علم مامایی عمری به درازای عمر بشریت دارد و در میان مشاغل، مسلماً یکی از قدیمی ترین حرفه ها در جهان محسوب می شود. ابن خلدون می گوید: «این صنعت در اجتماع انسانی ضروریست و موجودیت افراد آن معمولاً بدون صنعت قابلگی انجام نمی یابد.»¹ البته مامایی رشته ای نبود که تنها به امور زایمان و بارداری بپردازد بلکه ماما نقش مهمی نیز در درمان بیماری های زنان ایفا می کرده است. یافته های تاریخی نشان می دهد که بقراط مامایی انجام می داده است و وسیله ای درمانی طراحی کرده بود که وارد رحم زن می کردند تا چرک را از رحم وی بیرون آورند؛ وسیله ای به نام القاطیر که به عربی آن را «مبوله» می نامند. ماماها معمولاً برای موارد مشکل زا با او و شاگردانش مشورت می کردند، بدین سبب وی در آن زمان به «مادر بزرگ مرد» معروف شده بود.² بقراط که فنون طب را از پدر یاد گرفته بود، طرز تعلیم طب را به صورت کتبی درآورد؛³ تعلیماتی تا آن موقع به صورت شفاهی بود و اصولاً جایی ثبت نمی شد.³ جالینوس نیز کتاب هایی در این زمینه نوشته است.⁴ همچنین، هر فیلوس، بنیان گذار مکتب هر فیلوس، علاوه بر پزشکی عمومی به جراحی و مامایی نیز می پرداخت.⁵ اوریباسیوس که



به نام اوریباسیوس القوابلی (اوریباسیوس قابله) مشهور بود و روفوس افسوسی از پزشکان مشهور اسکندرانی نیز در زمینه طب زنان متبحر بوده و در این خصوص تالیفاتی داشته‌اند.⁶

پزشکی اسلامی و ملحقات آن همچون داروسازی و جراحی، از اسلام مدد گرفت و از زمینه پزشکی دیگر ملل نیز تغذیه شد و نتیجه این ترکیب، ایجاد میدان وسیعی بود که تقریباً همه شاخه‌های علوم پزشکی را شامل می‌شد و از جمله این شاخه‌های طبی که دانشمندان مسلمان در آن تبحر یافتند، پزشکی زنان و زایمان بود.

حکیمان و پزشکان اسلامی در گستره زمانی و مکانی تمدن اسلامی، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه بیماری‌های زنان انجام داده‌اند و تجربیات فراوانی در این زمینه کسب کرده‌اند که اکنون نیز با وجود پیشرفت‌های فراوان علم پزشکی زنان، همچنان قابل توجه می‌باشد.

این پژوهش به دنبال تبیین و تحلیل نظرات پزشکان مسلمان در مورد دلایل بیماری‌های رحمی زنان است. در این راستا اهداف زیر مورد توجه قرار گرفته است:

- نگاهی به پیشینه تاریخی علم پزشکی زنان
- نوع نگرش پزشکان مسلمان به بیماری‌های رحم
- بیان روش‌های پیشنهادی پزشکان اسلامی جهت درمان بیماری‌های رحمی زنان

با جستجوهای انجام شده تا تاریخ ۱۵ مهرماه ۱۳۹۴، دو پژوهش ارزشمند درباره طب زنان از منظر تاریخی صورت گرفته است؛ یکی با عنوان «تحلیل علل و درمان ناباروری از دیدگاه پزشکان اسلامی» تالیف مسعود کثیری و همکاران و دیگری تحت عنوان «قابلیت و طب زنان در تمدن اسلامی» تالیف اصغر منتظرالقائم و همکاران. البته در هیچ کدام از این پژوهش‌ها، از منظر علم تاریخ، به طور خاص به درمان بیماری‌های رحمی زنان پرداخته نشده است. روش انجام این تحقیق، مطالعه توصیفی تحلیلی متکی بر منابع کتابخانه‌ای و بررسی نسخه‌های اصلی و کتاب‌های پزشکی قدیم بوده است.

ورود پزشکان مسلمان به حوزه بیماری‌های زنان

در دوره اسلامی به دلیل اهمیت تداوم نسل و توجه به مقوله بارداری، به منظور بهتر و سالم‌تر تحویل دادن نسل بعدی تکالیفی شرعی برای نه ماه بارداری مطرح گردیده است. دین اسلام برای زن باردار در مورد نوشیدن و خوردن، لباس پوشیدن، راه رفتن و ارتباط با همسر از یک طرف و ارتباط با جنین در شکم از طرف دیگر برنامه‌هایی را مشخص کرده است. در قرآن کریم و روایات، مطالبی درباره چگونگی تغذیه جنین و نوزاد مطرح شده است. هم‌چنین درباره نحوه تغذیه کودک و وظایف دوران شیردهی، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد. البته اظهار نظرهایی هم وجود دارد که معتقدند بیماری‌های زنان خارج از چارچوب علمی و پزشکی و به شکلی عامیانه مداوا می‌گردیده است، به طور مثال الگود می‌نویسد: «قابله‌های آن زمان بیشتر، زنان بی‌اطلاع بودند که انتظار نمی‌رفت بتوانند کتاب‌هایی مانند قانون و ذخیره جرجانی را بخوانند و بفهمند.»⁷ اما با توجه به محتوای کتاب‌های پزشکی دوره اسلامی آشکار می‌گردد که ماماها آن زمان به این شکل که الگود بیان کرده بی‌سواد و بی‌اطلاع هم نبودند. به طوری که ابن‌سینا بیان می‌کند که ماماها تحصیل کرده و مجرب به معاینه زهدان زنان می‌پرداختند.⁸ علی‌بن‌عباس اهوازی. هم می‌نویسد که در دوره او پزشکان زن، بدون یاری گرفتن از پزشکان مرد، سخت‌ترین جراحی‌های مربوط به زایمان را انجام می‌دادند؛ به طور مثال در سه فقره از مینیاتورهایی که در آن جراحی‌های مربوط به زایمان ترسیم شده و در کتاب جراحی ابلخانی، نوشته شرف‌الدین آمده است، همه جراحان زن هستند. در این کتاب از زنان مزبور با عنوان طیبیه نام برده شده است. این عنوان به ماماها یا اطلاق می‌شد که دارای مقام علمی بالاتری از حد معمول بودند.⁹ از جمله طیبیه‌ها، اخت الخصید اندلسی و دخترش است که از علم طب به خصوص دربخش بیماری‌های زنان سررشته داشت.¹⁰ طیبیه‌ها دارای تعلیمات عالی پزشکی و تخصص جراحی بودند و جراحی‌های زنان را

- 6- Sezgin, 2001: 221.
- 7- Elgood, 1978: 333.
- 8- Avicenna, 1988: 321.
- 9- Mojabi, 2006: 110.
- 10- Zidane, 1957: 276.

انجام می دادند.¹¹

ابن خلدون ماما را آگاه تر و بینا تر از هر کسی در دردهای دوران بارداری و زایمان می دانند. وی هم چنین معتقد است که ماما به تمامی دردهایی که برای نوزاد در تمام دوران شیرخوارگی تا از شیر گرفتن روی می دهد، از هر پزشک ماهری، بصیرتر است. بنابراین چنان که ملاحظه می شود این صنعت در اجتماع انسانی ضروریست و موجودیت افراد آن معمولاً بدون صنعت قابلگی انجام نمی یابد.¹²

این ماماها هستند که نوعی کج راهی را که آیا زهدان به جلو یا عقب تمایل پیدا کرده است، با لمس انگشتان و معاینه مهلبی تشخیص می دادند.¹³

گرچه برخی از محققان کنونی اروپایی بر این عقیده اند که طبیبان مسلمان برای تشخیص بیماری های زنان فقط به گرفتن نبض، آن هم از زیر چادر و مشاهده زبان اکتفا می کردند¹⁴ ولیکن با مطالعه آثار طبیبان اسلامی می توان پی برد که تشخیص و درمان بیماری های لگن خاصره و بیماری های رحم و زهدان زنان در این آثار آمده است و حتی دستگاه های دقیقی را برای معاینه این اعضا و هم چنین جهت آگاهی از امراض مربوط به اعضای توالد، طراحی و ساخته بودند. یکی از نکات جالب توجه درباره علم قبالت جراحان مسلمان، آگاهی آنان از «والچرز پوزیشن»¹⁵ است.¹⁶ مشخص است که این وضعیت از سوی پزشکان اسلامی به خوبی شناخته شده بود. به طور مثال زهراوی به طور کامل و با جزئیات از والچرز نام می برد و معتقد است که در این حالت زن باید بر پشت، روی تخت بخوابد و در حالتی که سر او متمایل به پایین است، پاهایش در بالا قرار بگیرد و بعد معاینه انجام شود.¹⁷ ابن سینا هم همین اوصاف را برای وضعیت والچرز بیان می کند که البته معتقد است که در این زمان که زن بر تخت خواب بر پشت خوابیده باید پاهایش بلندتر از سرش باشد.¹⁸ البته اگر بگوییم که ابن سینا و سایر پزشکان قدیم شخصاً به معاینه زهدان زنان می پرداختند سخنی گراف است، در این باره مصطفوی بیان می کند که طبق مدارک موجود، ماماها تحصیل کرده و مجرب این معاینه ها را انجام می دادند. پرواضح است که پزشکان در موارد لزوم و به ویژه برای درمان بیماری های زنان اعیان و اشراف و به ویژه زنان حرمسراهای سلاطین با این ماماها همکاری می نمودند و این ماماها نیز از باجی های بی سواد نبودند بلکه در محضر پزشکان به تحصیلات عالی پزشکی و مامایی پرداخته بودند و در فن خود کمال مهارت کاملاً داشتند.¹⁹

پزشکان تمدن اسلامی، علاوه بر اینکه اکثر بیماری های رحمی را می شناختند و دشواری، نازایی و دیگری بیماری های زنان را درمان می کردند، به طور نظری هم رساله هایی را درباره قابلگی و بیماری های زنان تالیف می کردند و یا حداقل فصل هایی از کتاب های خود را به این موضوع اختصاص می دادند. از جمله آنان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

یوحنا بن ماسویه (متولد ۱۶۰ / ۷۷۶ م): از جمله آثار او در زمینه بیماری های زنان می توان به کتاب *لم امتنع الاطباء من علاج الحوامل فی بعض شهور حملهن* اشاره کرد که کتابی است درباره اینکه چرا پزشکان از درمان زنان باردار در بعضی از ماه های بارداری آنان خودداری می کنند. یکی دیگر از تالیفات وی، کتاب *علاج النساء اللواتی لا یحبین* که در علاج زنانی است که آبستن نمی شوند و در واقع در آن نازایی زنان را درمان می کند.²⁰

حنین بن اسحاق (متولد ۱۹۴ ق و متوفی ۲۶۰ ق): کتاب *المولودین لبعده اشهر* درباره متولدین هفت ماهه و کتاب *المولودین لثمانیه اشهر* درباره متولدین هشت ماهه را وی ترجمه نموده است. او مقاله ای نیز در تکوین جنین در رحم، مقتبس از گفته های بقراط و جالینوس، به نام *مقاله فی کون الجنین* دارد.²¹

عیسی بن ماسه (متوفی ۲۷۵ ق / ۸۸۸ م): در کتاب *الرؤیا* موجباتی را آورده است که مانع از معالجه زنان باردار می باشد.²² البته وی آثار دیگری در این زمینه مانند کتاب *الجماع یا مسائل فی النسل و الدریات* و *ثمره کلام لعیسی بن ماسه فی الجماع و ما یتعلق نیز دارد*.²³

ثابت بن قزوه حوافی (متوفی ۲۸۸ ق / ۹۰۱ م): کتاب *جوامع* و کتاب *تشریح الرحم لجالینوس* را درباره بیماری های زنان و رحم به نقل از جالینوس نوشته است و کتابی دیگر هم در زمینه جنین شناسی دارد با عنوان *مقاله فی صفة کون الجنین* که

- 11- Elgood, 1978: 271.
- 12- Ibne Khaldun, 1990: 818.
- 13- Gheshlaghi, 2005: 65; Zahravi, 1993: 38.
- 14- Pollock, 1989: 401.
- 15- Walcher's Position
- 16- Vaseti, 2003: 18.
- 17- Zahravi, 1993: 66.
- 18- Avicenna, 1988: 321.
- 19- Mostafavi, 1979: 66.
- 20- Ibn abiosaibeh, 1970: 77.
- 21- Najmabadi, 1996: 51.
- 22- Ibn abiosaibeh, 1970: 250.
- 23- Sezgin, 2001: 346.



در بیان به وجود آمدن جنین است.²⁴

عرب بن سعد قرطبی (ق/ ۱۰۴م): رساله‌ای درباره زایمان و بیماری‌های زنان که در حدود ۳۵۳ هجری به نام *خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین* نوشته است.²⁵

علی بن زین طبری (ق/ ۱۹۲م): به طور مفصل در کتاب *فردوس الحکمه* درباره جنین‌شناسی، آبستنی و بیماری‌های اعضای تناسلی بحث می‌کند. این اثر یکی از نخستین دانشنامه‌های پزشکی علمی است که برای انواع بیماری‌های رحمی از جمله بند آمدن خون ماهیانه، آماس زهدان، تباهی زهدان، شل شدن زهدان، درمان ضربان و درد زهدان و در کل برنامه‌دار کردن ریزش خون ماهیانه، درمان‌هایی را ارائه داده است.²⁶

محمد بن زکریاء رازی (ق/ ۳۱۳م): در جزء نهم کتابش درباره بیماری‌های زهدان و رحم و بارداری مطالب بسیار ارزنده‌ای را آورده است و بسته به نوع بیماری، مخلوطی از روش‌های جراحی و دارویی را ذکر می‌کند. دیگر کتاب مهم رازی در زمینه طب، کتاب *المنصوری فی الطب یا الکناش المنصوری* است که شامل مطالبی در مورد شفای امراض زنان و بیماری‌های کودکان است.²⁷ رساله طبیبی دیگر وی *من لا یحضره الطبیب* می‌باشد و به طور تخصصی، امراض رحم و علائم بارداری و علل سقط جنین را در آن شرح داده است و نسخه‌هایی را برای آسان کردن دشواری زایمان در این کتاب تجویز نموده است.²⁸ غیر از این رساله‌ها، رازی کتابی به عنوان *قصص و حکایات المرضی* دارد که در واقع نوعی تاریخچه طبیبی وی است که در آن حکایاتی موجود است از مراجعه کنندگانی که در خصوص زایمان و طب زنان نزد او آمده‌اند.²⁹

ابوبکر ربیع بن احمد اخوینی بخاری (ق/ ۳۷۳م): در کتاب *هدایه المتعلمین* در خصوص بیماری‌های زنان و زایمان مطالبی را با عنوان‌های *اوجاع الرحم*، *احتباس حیض*، *قروح رحم*، *خناق رحم* و *زایمان و چگونگی سقط جنین*، ارائه داده است. هم‌چنین اخوینی از وسایل خاص معاینه امراض زنان و نازایی سخن گفته و آن‌ها را توصیف کرده و موارد استفاده این ابزار و طرز استفاده آن‌ها را بیان کرده است؛ از جمله وسیله‌ای به نام *القائطیر*.³⁰

علی بن عباس مجوسی اهوازی ارجانی (متوفی ق/ ۱۰۴م): مطالبی درباره جنین‌شناسی و قیاس جنین به پنیر و چگونگی شیر گرفتن مادر از نوزاد را یک به یک شرح می‌دهد، در واقع وی از نخستین کسانی بود که در تاریخ پزشکی، مشاهدات بالینی درستی به دست داد و درباره حرکت رحم نیز در نظریه‌ای جدید می‌گوید: در زمان زایمان جنین با میل طبیعی خود بیرون نمی‌آید، بلکه این رحم است که او را دفع کرده، به بیرون می‌راند.³¹

ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا (متولد ۳۷۰ق و متوفی ۴۲۸ق): در کتاب *قانون فی الطب* فصل جامعی درباره آبستنی و طب زنان دارد که به تشریح زهدان و بیماری‌هایش، نازایی و دشواری‌ها، نشانه‌های بارداری، چگونگی تشخیص جنس جنین، دوران جنینی، بهداشت بارداران و بهداشت بعد از زایمان و سقط جنین می‌پردازد.³²

ابوالعباس احمد بن محمد بن یحیی بلدی (ربع آخر ق/ ۱۰۴ق): در کتاب *تدبیر الحبالی الاطفال و الصبیان و حفظ صحتهم و مداوای الامراض العارضه لهم* در حفظ سلامتی و درمان بیماری‌های زنان بارداران، نوزادان و کودکان مطالبی نگاشته است.³³

ابوالقاسم خلف بن عباس زهراوی (ق/ ۴۰۴م / ۱۰۱۳م): درباره علاج بیماری‌های زنان و زایمان شیوه‌های خاصی را به کار می‌برده است. وی در بیرون آوردن سنگ از آبدان زنان، در علاج بیماری‌های زهدان، تدبیر زایمان‌های غیر طبیعی و چگونگی بیرون آوردن جنین در زایمان‌های سخت، در بیرون آوردن جنین مرده و جفت جنین، ابزار آلتی را به کار می‌برد که تا آن زمان تقریباً کسی، آن‌ها را به کار نبرده بود.³⁴

سید اسماعیل جرجانی (متولد ۴۳۴ق و متوفی ۵۳۱ق): در کتاب *ذخیره خوارزمشاهی* مطالبی را به طب زنان اختصاص داده است؛ از جمله شناختن نبض آبستن، آبستنی و سبب زادن، دلایل دشواری‌ها، به دنیا آمدن نوزاد هفت ماهه و هشت ماهه، آفت تهدیدکننده بچه هفت ماهه، زایمان طبیعی و غیر طبیعی و جنین

- 24- Sarmadi, 2000: 344.
- 25- Velayati, 2011: 173.
- 26- Brown, 1958: 74.
- 27- Ldvmih, 1992: 204.
- 28- Razes, 1984: 106.
- 29- Razes, 1960: 72.
- 30- Akhawayni, 1992: 495.
- 31- Halabi, 2003: 224.
- 32- Avicenna, 1988.
- 33- Baladi, 2013 :43; Sezgin, 2001: 449.
- 34- Zahravi, 1993: 38.



شناسی.³⁵

ابن نفیس دمشقی (متولد ۶۰۷ق و متوفی ۶۸۷ق): در کتاب *معالجات نفیسی* مطالبی را درباره «معالجه امراض تختص بالنساء مثل اختناق الرحم و قروح الرحم، امراض الرحم و علامات الامزجه، تدبیر الحوامل، الادویه الحافظه عن الاسقاط، علامات اسقاط الجنین و تسهیل الولاده» ذکر کرده است.³⁶

منصور بن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیه الیاس شیرازی (متولد ۷۱۰ق و متوفی ۷۹۰ق): مطالبی ارائه کرده است در تشریح بدن زن، اجزایی را که در زمان آبستنی به نگه داشتن و تغذیه جنین دخیل هستند، وضع قرارگیری جنین پسر و دختر در رحم، تشریح اعضای که به خروج نوزاد در هنگام زایمان کمک می‌کند، شرح چستی دلیل پسر یا دختر شدن جنین و در کل تشریح رحم زن و حتی نقاشی‌هایی از زن در حال بارداری.³⁷

ابن جزله بغدادی (متوفی ۴۹۳ق): از رساله‌های دیگر مسلمانان در زمینه طب زنان، کتاب *تفویم الابدان فی تدبیر الانسان* از ابن جزله است که به صورت جدول بندی تنظیم شده است و چند جدول به امراض الرحم، اقسام آن و چگونگی درمان آن اختصاص داده شده است.³⁸

روش‌های پزشکان مسلمان در درمان بیماری‌های رحم

بیماری‌های زنان در گذشته همچون امروز، متعدد و دارای دلایل زیاد و ناشناخته بوده است. پزشکان مسلمان تا حدودی، انواع بیماری‌های رحمی زنان را می‌شناختند و برای هر کدام از آن‌ها درمان‌های گیاهی، دارویی و در مواقع ضرورت، جراحی را تجویز می‌کردند. در متون طب سنتی ایران منظور از لغت رحم با طب امروزی متفاوت است. در طب سنتی از مجرای واژن تا گردن رحم، خود رحم، لوله‌های فالوپ و تخمدان‌ها به عنوان رحم گفته شده است و در هر جا منظور از رحم بخشی از این قسمت‌هاست. عدم توجه به این موضوع باعث اشتباه در تحلیل متون طب سنتی ایران می‌گردد. به عنوان مثال در بحث ترک زهدان یا ترکیدن رحم (داخلی و خارجی) منظور پارگی واژن (داخلی) یا پرینه (خارجی) در حین زایمان است که همانطور که گفته شده است تا حد زیادی کم خطر است، اما اگر منظور پارگی خود رحم (به معنای امروزی باشد) در آن زمان بسیار ناشایع و البته کشنده بوده است. مهم‌ترین بیماری‌های توصیف شده عبارتند از:

تُرک زهدان: از جمله بیماری‌های رحمی که زنان به آن دچار می‌شدند، تُرک زهدان بود. از این بیماری به نام ترکیدن رحم هم نیز یاد شده است. این بیماری بی‌خطر دانسته شده و ابن جزله سبب آن را در دردی می‌داند که زن در زایمان اول می‌کشد.³⁹ اما ابن سینا دلایل متعددی را برای آن برشمرده است؛ از جمله ورم رحم و یا خشکی شدیدی که بر رحم عارض شده باشد که در آخر باعث تُرک می‌شود. با توجه به اینکه تُرک زهدان از دو حال خارج نیست، لازم است که بر طبق ترکی که خورده به درمان آن پرداخته شود؛ ترکی که با در داخل زهدان پدید می‌آید یا در گلوگاه و اطراف گلوگاه زهدان است. اگر تُرک بر داخل رحم اتفاق بیفتد، باید طوری عمل کرد که داروها را به داخل زهدان برسانند که تاثیر بر داخل گذارد و برای این کار مرهم زیره کرمانی و مقداری پیه به شکل تزریق کردنی استفاده می‌شد. اما اگر تُرک در قسمت خارجی زهدان رخ دهد، کار آسان‌تر است و بهتر است توتیای بسیار خوب ساییده را با زرده تخم مرغ بر تُرک بگذارد و این درمان تا بهبودی کامل ادامه می‌یافت.⁴⁰ از جمله دیگر تجویز درمانی که برای تُرک به کار برده شده است، می‌توان مالیدن پیه اردک یا پیه مرغ و روغن بنفشه را نام برد.⁴¹ و هم چنین مرهم سفیداب در این زمینه بهره‌رسان بوده است.⁴²

خارش رحم:⁴³ یکی دیگر از بیماری‌های رحمی، خارش زهدان است. بر اساس منابع تاریخ پزشکی، دلایل پیدایش خارش در زهدان می‌تواند یکی از سبب‌های زیر باشد: خلط بدجنس تندمزاج در رحم یا وجود رطوبتی گرم و یا سرد در رحم و یا وجود جوش‌هایی که در رحم سربر آورده باشند.⁴⁴ در این منابع برای درمان آن راهکارهای مختلفی پیشنهاد شده است: برگ انار و عدس پوست کنده را به همراه شکر بپزند و به زن بدهند تا آن را در واژن خود قرار دهد.⁴⁵ هم چنین بر روی ران حجامت کنند⁴⁶ و به این وسیله بدن را به وسیله خون کشیدن از خلط بدجنس

- 35- Jorjani, 1350: 218.
36- Qureshi, 2004: 393.
37- Shirazi, 2004: 188.
38- Baghdadi, 2011: 82.
39- Ibid.
40- Avicenna, 1988: 362.
41- Baghdadi, 2011: 82.
42- Avicenna, 1988: 363.
43- در اینجا منظور از رحم، واژن است.
44- Avicenna, 1988: 364.
45- Baladi, 2013: 160.
46- Jorjani, 1973: 218.



تخلیه کنند. برای این کار می توان رگ میان بازو (اکحل) را هم بزند⁴⁷ البته باید دانست که اگر این خارش در زنان باردار رخ دهد تنقیه خون جایز نیست.⁴⁸ از جمله داروهای مسهلی که تجویز می شود برای بیرون دادن خلطی که سبب خارش شده، این است که اگر خلط صفرائی است، حب سقمونیا (محموده) بخورد. اگر خلط بلغمی است، معجون اصطمحقون خوب است. اگر خلط سوداست حب ساخته از سس صغیر (افتیمون) چاره ساز است. برای این پاکسازی می توان غسل با آب بسیار سرد خورد و هم اینکه برگ نعنای، پوست انار، عدس پوست کنده با نیبذ بپزند و در رحم بگذارند.⁴⁹

خوره رحم: این بیماری یکی از بیماری های مهم رحم است که در آن زمان تشخیص بین این بیماری و سرطان رحم مشکل بوده است و طبیبان مسلمان، بر اساس ترشح خروجی از رحم می فهمیدند که بیمار به کدام یک دچار شده است. از جمله نشانه های این بیماری این است که اگر خوره موجود باشد، رحم خشک و سخت می شود. گاهگاهی درد تسکین می یابد و به ویژه بعد از معالجه صحیح، سریع بهبود می یابد. نسخه ای که برای درمان خوره زهدان وجود داشت، عبارت است از مردارسنگ سفیدشده، سفیداب و انزروت. هر یک، یک جزء متساوی با موم و روغن گل، مخلوط کنند و به زهدان وارد کنند. اگر همراه قرحه، چرک هست کمی زنگار با این داروی مرهم قاطی کنند و در رحم بگذارند.⁵⁰

سرطان رحم: از جمله بیماری های خطرناک رحم، سرطان رحم است که دارای علامتی چون درد بسیار سخت است که همراه با سختی و صلابت در رحم است.⁵¹ علاوه بر این درد آن دائمی است و تپشی همیشه احساس می شود و علاجه سخت و دشوار است.⁵² جرجانی در این باره نوشته است: «اولین نشانه تشخیص سرطان از راه لمس میسر است؛ زیرا این نوع غدد سفت و محکم می باشند و وقتی زنی به جراح مراجعه می کند، رشد غده احتمالاً از جلو و یا پشت او نمایان است.»⁵³

طبیبان اسلامی، درمان آن را سخت و در صورت پیشرفت آن را غیرقابل درمان دانسته اند. آنان معتقد بودند که نهایت امیدواری این است که بتوان از پیشرفت آن جلوگیری کرد و برای پیشگیری و بدخیم شدن بیماری درمان هایی را در نظر گرفته بودند؛ ولی اگر به رغم معالجاتی که صورت می گرفت، غده تبدیل به زخم می شد تنها راهی که می ماند این بود که با داروهای مسکن، درد بیمار را آرام کنند. در کفایه منصوری یک فصل تمام به سرطان رحم اختصاص داده شده است و در آن قید گردیده که علت ابتلای به آن، ورم حاره ای است که در رحم پیدا می شود و مانع از آن می گردد که این عضو چنانکه باید و شاید تمیز بشود. او درمان بیماری مزبور را چنین شرح می دهد: درمان این عارضه بسیار مشکل است؛ ولی به هر صورت تسکین دردهای ناشی از آن در درجه اول اهمیت قرار دارد و این مقصود از نشانیدن بیمار در تشتی مملو از داروهای لازم و یا گذاردن مرهم مناسب حاصل می گردد. او نیز شستشوی داخل فرج را با شیر انسان که قدری تریاک در آن حل شده باشد توصیه می کند ولی هیچ صحبتی از جراحی به عنوان یک راه علاج ذکر نمی کند.⁵⁴

بواسیر رحم:⁵⁵ گاه ممکن است بواسیر در زهدان رخ دهد و گاهی به اندام های اطراف زهدان نیز سرایت می کند و ممکن است باعث عفونت استخوان زهار و گلوگاه زهدان شود.⁵⁶ این بیماری هم که از نوع بیماری های خطرناک رحمی است، دلیلش خلط سوداوی است که از رگ های رحم بیرون می آید⁵⁷ یا قرحه هایی است که در گذشته در آن بوده و مدت دراز مانده و شفا نیافته اند.⁵⁸ رنگ دانه های بواسیر، سیاه است و از رحم رطوبتی با درد روان می شود. ابن سینا، بواسیر را چیزی به شکل توت در زهدان می داند. ممکن است انواع جوش در زهدان پدید آید و برخی از این جوش های زهدانی را آویشم گویند؛ زیرا به شکوفه گیاه آویشم می مانند و برخی سفید رنگند.⁵⁹ برای درمان بواسیر می توان مطبوخ اسطوخودس بدهند یا موضع را به روغن سوسن چرب کنند و غذا گوشت بره و بزغاله تناول نمایند. یکی از راه های درمانی، نرم کردن بواسیر زهدان است که می توان برای انجام آن در آبنی بنشیند که داروهای نرم کننده از قبیل: خطمی، بابونه، بزرکتان، شنبلیله و شاه افسر در آن پخته باشد و روغن های نرم کننده بر بواسیر بمالند، مانند روغن زیتون، روغن سوسن و روغن شاه افسر. برای رفع بواسیری که به زهدان

- 47- Avicenna, 1988: 364.
48- Shaharzani, 2001: 861.
49- Avicenna, 1988: 364.
50- Ibid.
51- Baghdadi, 2011: 82.
52- Avicenna, 1988: 364.
53- Elgood, 1978: 250.
54- Shirazi, 2004:, 461.

55- در این جا منظور از رحم، واژن است.

- 56- Avicenna, 1988: 365.
57- Baghdadi, 2011: 83.
58- Avicenna, 1988: 365.
59- Avicenna, 1988: 392-393.



چسبیده است و حالت بادکردگی با درد زیاد دارد، جراحی توصیه می‌شده است. البته باید گفت که در آن زمان‌ها اکثراً بریدن بواسیر زهدان پیامدهای بسیار خطرناکی داشته است و بیشتر در مواردی امکان پذیر بود که بواسیر در معرض دید باشد و جراح بتواند که گوشت مرده را از آن ببرد.⁶⁰

درد رحم: در هدایه المتعلمین، درد رحم نوعی بیماری است که «اوجاع الرحم» نامیده شده است.⁶¹ وقتی زهدان به درد می‌آید، سبب درد چند جهت است: شاید از اثر سوءمزاج باشد که هر نوع سوءمزاجی ممکن است سبب درد زهدان شود. باد در زهدان پیچد و گیر کند و زهدان را کش دهد و به درد آورد. ممکن است رطوبت‌هایی در زهدان جمع شده و یا گاهی ممکن است ورم، همان سرطان و زخم در زهدان باشد و درد زهدان را به وجود آورد. از علامت‌های آن این است که ممکن است از درد زهدان، تهیگه، بیخ ران‌ها، ساق‌های پا، پشت، زهار، معده و سر به درد آیند. حتی ممکن است درد زهدان بعد از مدتی که دوام باید مثلاً ده ماهی که بگذرد، به باسن منتقل شود و استقرار یابد.⁶² برای درمان آن تجویزهای فراوانی شده است؛ از جمله اشق و مقل و میعه، هر کدام یک جزو. همگی را می‌سایند. با آن از بیرون بر روی جایگاه می‌مالند. هم چنین بر روی پشمینه‌ای قرار می‌دهند و در دهانه‌ی زهدان می‌گذارند که بسیار خوب است.⁶³ علاوه بر این نشستن در آب‌هایی که تخم کلم در آن پخته شده و کلم به تنهایی و تخم کتان و بابونه و تمام مرهم‌های نرم‌کننده نافع است که نمونه آن در کتاب *الحاوی* آمده است.⁶⁴ اما اگر زن احساس درد شدیدتری بکند، سزاوار است مقداری دارو که برای درد رحم مفید است به او بخوراند. زراوند، سوسن، آب جوشانده نعنای انیسون از هر کدام نیم درهم برای درد رحم مفید است.⁶⁵

سیلان رحم: یکی از بیماری‌های رحمی بود که به معنی برآمدن رطوبت از رحم معروف بوده است.⁶⁶ به طوری که برخی زنان در شرایط مخصوصی به حالتی در می‌آیند که مواد رطوبی بدبو و عفونی از رحمشان خارج می‌شود و گاهی ممکن است آب پشت زن از رحم به خارج تراوش کند. سبب اولی که تراوش ماده آبکی عفونی است، زیادی مواد زائد ریختنی در زهدان و ناتوانی رگ‌های خون حیض است که ماده غذایی خود را هضم نمی‌کنند. این در حالی رخ می‌دهد که زهدان دچار عفونت شده است. حالت دوم که آب پشت زن از زهدان خارج می‌شود، اگر از اثر آرزوی جماع نباشد، سبب ناتوانی زهدان، ناتوانی آوندهای آب پشت بیمار است که آوندها سست شده‌اند و شباهت تمام به حالت مرد دارد که آب پشتش بدون آرزوی جماع بیرون آید. زن مبتلا به سیلان زهدان، اشتهای خوراکش از بین می‌رود، رنگش تغییر یا چشمش باد می‌کند.⁶⁷ این بیماری هر چند بی‌خطر است اما اگر زیاد شود خطرناک می‌شود و پیامدهایی دارد که باید به درمان آن پرداخت. از جمله اینکه اگر سبب زیادی خون باشد باید فصد کرد و اگر سبب زیادی خلط‌های دیگر باشد باید مسهل داد.⁶⁸ اگر حالت تراوش آب پشت نیست و رطوبت‌های دیگر است، باید به وسیله رگ زدن و اسهال دادن، بدن بیمار را پاکسازی کرد. هم چنین لازم است که بعد از پاکسازی، اول داروهای پاکساز خشکاننده را به زهدان راه دهند؛ از قبیل آب پز زنبق، روغن‌های نرمی بخش بر ساق‌های بیمار مالیده و ماساژ داده شود. بعد از پاکسازی هم، باید دارو را به زهدان راه دهند و این داروها عبارتند از: آب‌هایی که مازو، پوست انار، گورگیا، اس و گلنار در آن پخته باشد.⁶⁹

زخم رحم: قرحه زهدان از بیماری‌هایی است که امروزه به آن زخم رحم گویند که البته بی‌خطر است اما برای زیاد نشدن آن لازم است که پیشگیری شود و نشانه آن درد و خروج خون است.⁷⁰ البته اگر این بیماری درمان نشد به صورت قرحه مزمن درمی‌آید یا اینکه به زنان حالت غشی دست می‌دهد؛ به دلیل اینکه خون بسیاری از آن‌ها خارج می‌شود. از علامت‌های این بیماری این است که بیمار دچار علامت تب و هذیان گفتن و درد سر می‌شود و میان ناف و زهار، گاه درد خیزد و نفس کشیدن برای او دشوار می‌شود.⁷¹ سبب پیدایش قرحه در زهدان، یا داخلی است که ماده سیلانی گرم، زخم‌های چرکین به بار می‌آورد و یا سبب خارجی است؛ از قبیل ضربت خوردن بدن، صدمه دیدنی که زخم چرکین شده است و یا از ابزار جراحی، زخمی شده و زخم چرک شده است.⁷² دلایل دیگری مثل باز ایستادن حیض یا زیادی زاییدن هم می‌تواند از علل این بیماری باشد.⁷³ بیماری که

- 60- Avicenna, 1988: 373.
61- Akhawayni, 1992: 514-515.
62- Avicenna, 1988: 366.
63- Raban Tabari; 2012: 294.
64- Razes, 1984: 94.
65- Baladi, 2013, 160.
66- Shaharzani, 2001: 151.
67- Avicenna, 1988: 367.
68- Baghdadi, 2011: 81.
69- Avicenna, 1988: 367.
70- Shaharzani, 2001: 150.
71- Akhawayni, 1992: 533.
72- Avicenna, 1988: 360.
73- Akhawayni, 1992: 534.



دچار قرحه زهدان است اگر درمان نشود، دچار تعفن زهدان شود که این بیماری یکی از شعبات قرحه زهدان است. دارای چندین سبب احتمالی است که این سینا دلایل آن را چنین برمی شمرد: دشواری یا مرگ جنین در زهدان، داروهای تندمزه و گزنده زهدان که به زهدان رفته و گندیدگی زخمی که در زهدان رخ داده است.⁷⁴ پس به همین صورت، باید زودتر این بیماری درمان شود تا به مراحل سخت تر نرسد و از جمله تجویز که برای درمان زخم های رحم داده شده، برداشتن شیاف سفید است که با افیون و شمع درست شده باشد.⁷⁵ علاج زن با فصد باسلیق و بر سرش سرکه و روغن و گلاب بگذارد و با شکر و لعاب اسپغول حقه کند و به سحرگاه جلاب خورد و اگر از ضمادهای قابض زمانی که زخم تازه است، استفاده کند، شفابخش است.⁷⁶

رتقاء یا انسداد رحم:⁷⁷ این بیماری در کتب طبی تاریخی با عناوینی چون نسفتنی، رتق، عنق الرحم و انسداد آمده است. کلمه انسداد از کتاب قانون ابن سینا گرفته شده است و در آنجا به نام الرتقاء ثبت گردیده است. انسداد زهدان به دو صورت ممکن است: یا انسداد گلوی زهدان و یا انسداد لوله های زهدان که از علل نازایی هم به شمار می رود. این بیماری مهم یکی از بیماری هایی است که درمان آن نیاز به جراحی دارد و با تعریف جرجانی از این بیماری، معلوم می شود که منظور اصلی از آن پرده بکارت بدون سوراخ یا احیاناً انسداد عنق الرحم⁷⁸ است که به دلایل مختلف و حتی حالت بسیار نادر فقدان مادرزادی عنق الرحم می باشد. طبیعی است که تمام این حالات پس از رسیدن دختر به سن بلوغ، مانع از خروج خون حیض می شد و تنها راه درمانش هم باز کردن این راه از طریق جراحی بود.⁷⁹ با توجه به تشریح تخمدان ها و لوله زهدان، مسلم است که برای تولیدمثل باید این لوله ها باز باشد تا تخمک و اسپرماتوزوئید با یکدیگر ملاقات کنند و عمل لقاح انجام گیرد و اگر این لوله ها بسته باشد عمل مزبور انجام نمی شود و زن سترون و نازا خواهد شد؛ لوله زهدان عبارت از لوله ای است که از هر تخمدان خارج شده است و به زهدان منتهی می گردد و تخمک را از تخمدان به زهدان می رساند.⁸⁰ این مطلب را پزشکان اسلامی می دانستند و در اغلب کتاب های پزشکی کهن نیز این بیماری از علل اصلی نازایی به شمار آمده است. ابن سینا در این باره می نویسد: زنانی هستند که راه تخم ریزی مرد به داخل زهدان آنها بسته است.⁸¹ در کتاب *الحاوی* این بیماری با عنوان تنگی مهبل یاد شده است که این تنگی یا مادرزادی است یا به خاطر درمان زخمی به وجود آمده است. رازی در این خصوص می گوید: در هر صورت اگر فرج زن را بگشایی، غشایی را می بینی که بر دهانه فرج وجود دارد و ممکن است که این غشا بر دهانه رحم باشد که اگر این چنین باشد باعث احتباس حیض می شود و زن در این صورت درد زیادی را متحمل می شود و اگر این بیماری درمان نشود موجب مرگ زودرس می شود؛ زیرا خون حیض به بدن برگشته سیاه می شود و باعث خفگی می شود. در مورد علاج آن طبیبان اسلامی توضیح خاصی نداده اند و ابن سینا، علاج نسفتنی را فقط جراحی دانسته است.⁸² و به این صورت روش پزشکان برای درمان این بیماری مشابه طرز کار پزشکان امروزی بوده است. اگر پرده بکارت بدون سوراخ، نازک و نزدیک به دهانه فرج قرار داشت ماما اقدام به پاره کردن آن می کرد.

بیرون زدن رحم: این بیماری هم اکنون نیز یکی از رایج ترین بیماری های زنان است. در گذشته حکیمان آن را با اسم های مختلفی شرح داده اند؛ از جمله با عنوان هایی چون برگشتن زهدان، واژگون شدن رحم، نتوء رحم، بیرون زدگی رحم، برجستگی رحم، بروز رحم، نزول الرحم، انقلاب الرحم، زلق الرحم و افتادگی رحم. البته این بیماری انواع مختلفی هم دارد؛ از جمله اینکه رحم دچار برگشتگی می شود که سوراخ گلوی زهدان احساس نشود و معلوم گردد که از بیخ برگشته و با این حالت بیرون آمده است. حالت دیگر اینکه رحم به خارج روی آورده باشد و گردن رحم همچنان بر جای خود استوار است. سبب این علت می تواند داخلی باشد، مثل اینکه رحم به کلی برگشته و بیرون افتاده این را عقل خوانند و صاحب این علت را عقلاً گویند.⁸³ یا به سبب عوامل خارجی است مانند بر زمین افتادن، به سرعت دویدن، جیغ بلند کشیدن، عطسه کردن به شدت، ناگهان صدای مهیب شنیدن و یکه خوردن و یا کتک خوردنی که زردپی های زهدان را سست کند⁸⁴ و یا در زمان پیش از بارداری و در خلال بارداری و پس از بارداری

74- Avicenna, 1988: 360.

75- Razes, 1984: 113.

76- Akhawayni, 1992: 534.

77- در این جا منظور از رحم، واژن است.

78- Vagina

79- Shaharzani, 2001: 152.

80- Mostafavi, 1979: 85.

81- Avicenna, 1988: 375.

82- Ibid.

83- Jorjani, 1350: 775.

84- Avicenna, 1988: 378.



عارض می‌شود.⁸⁵ جرجانی و بسیاری از پزشکان پس از او علت اساسی ابتلا به آن را «بی‌مبالاتی و خشونت ماما» ذکر کرده‌اند و منظورشان این است که ماما به هنگام خارج ساختن جفت، بند آن را محکم می‌کشد و موجب تغییر حالت رحم می‌گردد.⁸⁶ به این صورت با دلایلی که ذکر شد و با فشارهایی که بر رحم می‌آید، بافت‌های نگهدارنده رحم ضعیف می‌شوند و زن دچار افتادگی رحم می‌شود. اگر این بیماری به صورت مزمن درآمده یا سنی از بیمار گذشته بود، امیدی برای بهبودی این عارضه وجود نداشت و انجام هیچ کاری میسر نبود. پایین افتادگی‌های جزئی رحم را هم عارضه‌ای نیازمند درمان نمی‌دانستند و به این ترتیب فقط در مواردی که پایین افتادگی رحم، فوق‌العاده شدید بود و این عضو وارد واژن شده بود، پزشکان دست به اقدامات درمانی می‌زدند. اگر علاج صورت می‌گرفت لازم بود، نخست روده‌ها را به وسیله حقه پاک کنند تا بول به آسانی بیرون آید. پس پشم مرغزی پاکیزه نرمی را با عصاره آفاقیا یا به شراب قابض که در وی به چیزهای قابض پخته باشند، تر کنند و بر دهانه رحم بگذارند و پشمی دیگر را به سرکه تر کرده بر فرج و زهار بگذارند و بعد از آن بیمار بر پهلو بخوابد و عطر خوش بویی را استشمام کند تا رحم به بالا میل کند و از بوی ناخوش دوری کند. دو روز هم برین شکل بماند، روز سوم آن پشم را عوض کنند و پشمی دیگر را به شرابی که در وی آفاقیا و برگ مورد و انار، پوست و غیر آن پخته باشند، تر کنند و آن را نیم گرم به دهانه رحم بگذارند و چندانی که ممکن بود نطولها و ضمادهای قابض استفاده کنند.⁸⁷ قبل از هر چیز باید این بیمار به وسیله داروهای حقه‌ای پاکسازی شود و به وسیله داروهای ادراری بولش پاک شود. بعد از پاکسازی کامل زن بر پشت بخوابد و هر دو ساق را از هم دور سازد. پشم نرم از پشم بز بر زهدان بچسباند. بعد از آن کمی دیگر پشم در آب آفاقیا خیس کند و همه را در زهدان فرو کند. سپس پشم دیگری را در شرابی که داروی گیرنده در آن حل شده است خیس کند و بر دهانه زهدان گذارد و به آهستگی و نرمی آن را به داخل فرو دهد. بعد از آن مقدار دیگری پشم آورده و در سرکه و آب خیس کند و بر رحم بگذارد. بعد از سه روز پشم‌ها را عوض کرده و پشم را در شرابی که آس، گل محمدی، آفاقیا، پوست انار و غیره در آن پخته‌اند خیس کن. شراب باید ولرم باشد، این پشم بر ناف و زهار بمالد. در آیزنی بنشیند که آب پزگور گیاه و آس و گل محمدی باشد.⁸⁸ البته اگر سبب، رطوبت باشد حب ایارج دهند و هم چنین در رحم حقه نمایند.⁸⁹ اما اما در کل، میسری برای درمان بیرون آمدن رحم، نشستن در آبی را توصیه می‌کند که دارای پونه، بابونه و شمشاد است⁹⁰ از راه‌های درمانی دیگری که اخوینی آن را توصیه می‌کند این است که زن در آبی بنشیند که مورد و سعد و نارسفال پخته شده باشد.⁹¹ باید از بعضی چیزها هم در این زمان پرهیز کرد مانند بوهای بد و ناخوشبو زیرا که رحم از بوی بد پایین تر می‌رود. هم چنین باید از سرو صداهای زیاد، جیغ کشیدن، چیزهای عطسه‌آور و سرفه‌آور پرهیزد. تا امکان داشته باشد استراحت کند و در آرامش به سر برد.⁹² پس به این صورت اگر رحم به وسیله بوهای بد پایین می‌آید، بهتر بود که کاری انجام می‌شد تا حداکثر ممکن به سمت بالا تغییر مکان بدهد و به این منظور لازم بود که زن موادی را که بوی خوش داشتند استشمام کند تا موجب جلب رحم به سمت بالا بشود.

کجراهی رحم: کجراهی زهدان یعنی امتداد گلوی زهدان از بالا به پایین. در صورتی که دهانه آن در حال طبیعی در محور مهبل واقع شده است و اگر زهدان تغییر محل بدهد گلوی زهدان نیز از محل اصلی منحرف می‌شود.⁹³ این بیماری در گذشته به نام میل رحم به یک جانب بوده است؛ یعنی مایل شدن رحم به جانبی که به آن امروزه انحراف سرویکس گویند و اگر زن به آن دچار شود و درمان هم نشود، نازا می‌شود. امروزه معاینه بخش‌های داخلی اعضای تناسلی با لمس کامل گردن زهدان، به وسیله انگشتان آغاز می‌شود و اندازه و شکل گردن زهدان، قطر سوراخ جانبی آن، جهت گردن، وجود یا عدم پارگی یا هیپرتروفی آن مشخص می‌شود و تشخیص کجراهی‌های زهدان فقط به وسیله توشه واژینال و اسپیکولوم صورت می‌گیرد. این سوال پیش می‌آید که آیا پزشکان اسلامی اصولاً اطلاعی از کجراهی‌های زهدان داشته‌اند و نیز آیا می‌دانستند که این کجراهی‌ها یکی از علل نازایی زنان است؟ با صراحت کامل باید گفت که آنان توشه واژینال و

- 85- Baladi, 2013: 43, 160.
86- Elgood, 1978: 249.
87- Jorjani, 1350: 775.
88- Avicenna, 1988: 379.
89- Baghdadi, 2011: 83.
90- Mysari, 1987: 168.
91- Akhawayni, 1992: 550.
92- Avicenna, 1988: 379.
93- Mostafavi, 1979: 85.



اسپکولوم را استفاده می کرده‌اند و به وسیله آن این بیماری را تشخیص می دادند. به طوری که مصطفوی در این باره می نویسد: تشخیص آن با وسیله‌ای انجام می شد که با آن مهبل را باز و به این وسیله گلوی زهدان را مشاهده می کردند.⁹⁴ البته رازی، تشخیص این بیماری را بدین گونه بیان می کند که اگر انگشت را داخل کردی و دهانه زهدان را در امتداد انگشت نیافتی، پس بدان که زهدان کج‌راهی پیدا کرده است.⁹⁵ و منظور این است که اگر با توشه واژینال، نوک انگشت، دهانه زهدان را در امتداد انگشت احساس نکرد، کج‌راهی پیدا شده است. این بیماری برای کسانی پیش می آمد که خلطی غلیظ و چسبنده، رحم آنان را لغزنده و به یک جانب میل دهد.⁹⁶ این سینا درباره دلایل این بیماری که باعث می شود دهانه زهدان از درست قرار گرفتن در مقابل جایی که منی مرد از آن می آید کج شود، می نویسد: «یکی از نیمه‌های زهدان سفت و سخت شده است یا پرمایه تر شده و ترنجیده است. دو نیمه زهدان از حیث رطوبت، سستی و فروهستگی و از حیث خشکی و تشنج، با هم تفاوت پیدا کرده‌اند. یا ممکن است رگ‌های یکی از دو طرف زهدان پر از خون شده باشد و طرف دیگر سبک‌بارتر باشد یا ممکن است خلط غلیظ در طرفی از طرف‌های زهدان جمع آمده باشد و سنگین تر از طرف دیگر شده باشد و طرف سبک را به سوی خود بکشد. اکثراً اثر این کج‌رفتاری زهدان، بیماری خفگی زهدان رخ می دهد.»⁹⁷ در واقع می بینیم که تعریف امروزی کج‌راهی زهدان با تعریف پزشکان اسلامی تفاوتی ندارد و طبیبان اسلامی هم بر این عقیده بودند که گاهی رخ می دهد که زهدان به یکی از دو طرف راست یا چپ منحرف شود و دهانه زهدان از درست قرار گرفتن در مقابل جایی که منی مرد از آن می آید، کج می شود. برای درمان آن لازم بود که قابل انگشتانش را در رحم فرو برد و ببیند به کدام طرف انحراف پیدا کرده، اگر به طرفی انحراف پیدا کرده که رگ‌هایش پر از خون و غلیظ و فشرده بود، باید از پایی که روبروی آن طرف است او را حجامت کند تا رگ‌هایش باز شوند؛ ولی اگر رگ‌های آن طرف منقبض بود و غلیظ نبود باید با شست‌وشوی درونی، ماساژهای ملایم و حمام رفتن درمان شود.⁹⁸ در این زمان بهتر است به زن حب ابراج دهند و به رحم روغن یاسمینی بریزند که با غالیه و مشک و عنبر حل کرده باشند.⁹⁹

ورم رحم: این بیماری نیز یکی دیگر از انواع بیماری‌های رحمی و از جمله دلایل نازایی است. این بیماری دلایل مختلف دارد؛ از جمله بر زمین افتادن، سقط جنین یا بچه انداختن یا از نادانی ماما در هنگام وضع حمل، بند آمدن خون حیض و حبس شدنش در زهدان، بالا رفتن آب پشت، ورم گرم در دهانه زهدان، سنگی یا چوبی به رحم بخورد، دشواری¹⁰⁰، کثرت جماع.¹⁰¹ ورم ممکن است در ته زهدان، در قسمت جلو زهدان و یا در قسمت عقبی آن باشد و ممکن است در چند جای زهدان باشد که این از سایر حالات بدتر است. نشانه‌های ورم گرم در زهدان این است: معده به درد می آید. بیمار افسرده خاطر و اندوهگین می شود. دلش بهم می آید. سکسکه می کند. از خوراک لذت نمی برد. اشتهای خوراکش غیرطبیعی است یا اشتهای خوراکش کم است.¹⁰² هم چنین دچار درد سر، سنگینی در چشم‌ها و سست شدن دست‌ها و پاها و تشنگی می شود و بول قطره‌ای می آید.¹⁰³ البته بیمار دچار دردهای دیگری چون درد معده و گردن و فواق هم می شود و اگر درد در دهانه رحم باشد ضربان در زهار است و اگر در قعر رحم باشد ضربان به سوی پشت است و اگر اندر جانب رحم باشد، برخاستن و نشستن دشوار باشد.¹⁰⁴ تواتر نبض و نفس¹⁰⁵ هم از نشانه‌های دیگر این بیماری محسوب می شود. اگر از نشانی‌ها دریافتی که خون زائد در بدن است، شاهرگ دست را باید زد.¹⁰⁶ البته آشامیدن شربت بنفشه، شیرۀ جو و گلاب و نباتی که به قوام آورده شده، مفید است. هم چنین می توانند شیرۀ تخم خرفه با گلاب و نبات به هم تناول کنند.¹⁰⁷ می توان از ضمادهایی چون آردجو و باقلی و بنفشه و خطمی و آب گشنیز و کاسنی و خرفه استفاده کرد.¹⁰⁸ از ورم‌های دیگری که عارض زنان می شود ورم بلغمی رحم است. زنانی که به ورم بلغمی در زهدان مبتلا می شوند، احساس سنگینی و بادکردگی دارند. احساس سستی در دست و پا و زهار می شود، رنگ و روی بیمار تغییر می کند.¹⁰⁹ وقتی رطوبت و سردی و بدمزاجی بر رحم غلبه کند دهانه رگ‌های موجود در آن بی‌نهایت تنگ می شود و زن نازا می شود؛ چون مشیمه به دهانه‌ی رگ‌ها نمی‌رسد و در این صورت، آن طور که باید غذا به

- 94- Ibid.
 95- Razes,1960: 94.
 96- Baghdadi, 2011: 60.
 97- Avicenna, 1988: 379.
 98- Razes,1960: 94.
 99- Baghdadi, 2011: 82.
 100- Avicenna, 1988: 380.
 101- Sabzevar,2011: 429.
 102- Avicenna, 1988: 380.
 103- Baghdadi, 2011: 82.
 104- Jorjani, 1350: 773-772.
 105- Sabzevar,2011: 429.
 106- Avicenna, 1988: 381.
 107- Baghdadi, 2011: 83.
 108- Sabzevar,2011: 429.
 109- Avicenna, 1988: 381.



جنین نمی‌رسد.¹¹⁰ یکی از ورم‌های دیگری که عارض رحم می‌شود، ورم سخت و صلب زهدان است و اگر ورم سخت در زهدان باشد نشانی‌هایی دارد که از این قرارند: در دست زدن معلوم می‌شود و سختی آن در لمس مشهود است. بول و مدفوع به دشواری دفع می‌شوند. درد، کمتر از درد ناشی از ورم گرم است. هرچند ممکن است درد ناپیدا باشد و کم احساس شود. مشروط بر اینکه سرطان نشده باشد، بدن بیمار لاغر و ناتوان می‌گردد. به ویژه هر دو ساق پا پاریک و در آن احساس ناتوانی می‌شود و پاها ورم می‌کنند. ممکن است شکم آماس کند و بیمار حالتی شبیه حالت استسقا داشته باشد، به ویژه اگر سختی ورم انتشار یابد.¹¹¹ ورمی که مانده باشد و سخت شده باشد. خلط سوداوی سبب ورم شده باشد.¹¹² علاج آن به این صورت است که باید بدن بیمار از خلط غلیظ پرمایه و خلط سودایی پاکسازی شود. از جمله مرهم‌هایی که برای این کار استفاده می‌شود عبارت است از: دیاخیلون و باسلیقون استعمال شود. مرهم‌هایی که داروهای زیر در آن واردند؛ از قبیل مقل، پیه غاز، مخ گوزن، کره گوسفند که با روغن سوسن و رازقی و نرگس و شبت و بابونه و کرچک و حنا و بابونه چشم گاو مرهم شوند. البته مومی که در مرهم به کار می‌برند موم زرد باشد و نیز اگر زرد زرده تخم مرغ در مرهم باشد بهتر است.¹¹³ هم چنین برای درمان ورمی که در بدن سودا زاد شده، مطبوخ اقیمون، خوب است.¹¹⁴ از ورم‌های دیگری که خطرناک است، ورم بزرگی است که ماده آن چرک شده باشد و در میان عضو جمع شده باشد و علامت آن این است که زن دچار قشعیریه یعنی لرز اندک می‌شود که برای درمان آن باید دوایی چند به کار برند که چرک را از عضو بیرون کند و برای این کار بهتر است که بر رحم روغن بنفشه با آب نیم گرم بریزند. هم چنین روغن گاو با آب نیم گرم بر رحم ریختن هم فایده دارد. البته از وسیله‌ای هم برای بیرون آوردن چرک رحم زنان استفاده می‌کردند که اخوینی از این وسیله به نام مبوله یاد کرده است و آن را یک میله‌ای می‌دانسته که از سیم یا از زری یا از برنج ساخته شده و بر سر میله سوراخ‌های بسیاری است.¹¹⁵ زهراوی برای درمان آن معتقد است که اگر درد و ورم در آغاز آن حدت دارد و با ضربان و التهاب و تب همراه است و اگر قابل رویت باشد و سرخرنگ به نظر برسد، نباید در شکافتن آن شتاب ورزند و شایسته است به درمانی پردازند که سبب رسیدن و نضج آن باشد. او بیان می‌کند که باید سر آن را با نشتی پهن بشکافی و پس از بیرون آمدن همه ماده چرکین فتیله نرمی را که آغشته به روغن گل سرخ یا به روغن سبز است و اندکی خاصیت قبض دارد، قرار دهی و آن فتیله را چندان دراز بگیری که پس از بیرون آمدن از ورم از گردن زهدان خارج شود و لازم است از خارج بر زهدان و شرمگاه، پشم پاکیزه خیسانده شده در آبی قرار داده شود که گل پنیترک را در آن جوشانده باشند. پس از دو روز باید مرهمی را که برای درمان این زخم شایسته است به کار دارند تا شفای کامل حاصل آید. ولی اگر دمل در داخل زهدان و غیر مرئی باشد از درمان آن با نشتر باید خودداری کنند.¹¹⁶

خفگی زهدان: این بیماری نیز از بیماری‌های رایج زنان بوده است و این همان بیماری است که مترجمین قرون وسطی اروپا آن را Proefocation Matricis ترجمه کرده‌اند. اختناق به معنی خفه شدن است و لغت خنق نیز از آن گرفته شده است که به معنی طناب دار است و به این ترتیب معنی مستقیم آن خفگی رحم می‌باشد.¹¹⁷ به این بیماری اختناق الرحم، خنق الرحم و هیستری هم گویند و این مرض مشابه است به صرع و غشی و لیکن در این، کف از دهان نمی‌آید و اضطراب نمی‌افتد؛ اما بی‌هوشی مفرط می‌باشد که هرگز چیزی نمی‌شنود.¹¹⁸ دلیل اینکه این حالت شبیه به صرع و غش کردن است، این است که بخارهای سمی از ماده بند آمده متعفن رو به بالا می‌رود و نوعی حالت شبیه صرع و غش کردن را به بار می‌آورد.¹¹⁹ اختناق رحم را ثابت بن قره در کتاب خود به نام ذخیره تعریف کرده و می‌نویسد: «اختناق رحم میل و انحراف رحم زن به یک سو است به نحوی که موجب برهم خوردن سلامت زن می‌گردد».¹²⁰ از اسباب این بیماری می‌توان به بسیار شدن منی، حبس شدن منی در انیثین¹²¹ و نیاقتن مرد¹²² اشاره کرد. اما ابن سینا، مشا این بیماری را از زهدان دانسته است و معتقد است که از راه حجاب و شبکه رگ‌های جهنده (شریانی) و ناجهنده (وریدی) به قلب و مغز سرایت می‌کند که از دلایل آن «از سرد شدن بند آمده در زهدان، خون حیض یا آب پشت و یا

- 110- Razes, 1960: 113.
 111- Avicenna, 1988: 384.
 112- Baghdadi, 2011: 82.
 113- Avicenna, 1988: 385.
 114- Baghdadi, 2011: 82.
 115- Akhawayni, 1992: 495.
 116- Zahravi, 1993: 147-146.
 117- Elgood, 1978: 241.
 118- Shaharzani, 2001: 154.
 119- Avicenna, 1988: 387.
 120- Harani, 1999: 196.
 121- Baghdadi, 2011: 81.
 122- Jorjani, 1350: 217.



از گرم شدن و عفونت گرفتن ماده بند آمده باشد»¹²³ نظر پزشکان اسلامی مبنی بر این بود که این بیماری کاملاً رحمی بوده و در نتیجه، درمان آن جنبه موضعی دارد و به ماماها توصیه می شد تا برای درمان آن از داروها و معجون‌هایی استفاده شود که به داخل فرج فرو برده شود. برای درمان این بیماری بسیار خطرناک، لازم است که مطیع دستورالعمل طبیب مخصوص خود باشد و در هوای آزاد مسکن نمایند و ورزش بسیار کند.¹²⁴ اگر سبب بند آمدن خون حیض باشد فصد صافن باید کرد.¹²⁵ علاج آن مباشرت (نزدیکی) و عطسه آوردن به کندس و بلبل و غیر آن است و بوی نیلوفر و کافور بنفشه و صندل سود دارد.¹²⁶ در حقیقت باید گفت که داروها و روش‌های درمانی این بیماری خیلی متنوع بود و تقریباً در تمام کتاب‌های پزشکی از آن‌ها نام برده شده است ولی یکی از عجیب‌ترین روش‌های درمانی شیوه‌ای است که جرجانی شرح داده و گفته است که چگونه می‌توان بیماری را از داخل رحم لرزان به سوی دهانه آن سوق داد و تمهیدی چید تا از طریق فرج خارج شود. جرجانی در این خصوص بیان می‌کند که زن قابله را بگوید تا شیافی سازد از گرم‌دانه و فلفل و فریون و غیر آن. به روغن حب‌الغار چرب کنند و به دهانه رحم بمالند و دغدغه کند بسیار تا رطوبتی سرد فرود آید و خلاص یابد و سجزینا به مقدار یک فندق به روغن حب‌الغار به دهانه رحم برسانند، سود دارد.¹²⁷ علاوه بر این برای اختناق رحم، چنین دارویی مفید بود: «استعمال غالیه با روغن زنبق با برگ نماد و نزدیک کردن چیزهای سوزان و کبریت و سداب به بینی مفید است».¹²⁸

آب در زهدان: گاهی رخ می‌دهد که آب در رحم گرد می‌آید و در آنجا بسته می‌شود. طبیبان اسلامی، این بیماری را با نام آب در زهدان معرفی و درمان کرده‌اند. بیماری آب در زهدان، خود را با علامت‌هایی نشان می‌دهد: حیض بسته می‌شود و هنگام حرکت‌ها قراقر در شکم پدید می‌آید¹²⁹ یا اینکه در پایین‌های شکم، ورم سست و شل پدید آید، هم‌چنین احتمال دارد بیمار به حالت شبیه بیمار استسقا در آید و جریان رطوبت آبیکی به خارج زیاد شود. به طوری که تصور کند که باردار شده است.¹³⁰ اما یکی از بهترین راه‌هایی که می‌توان فهمید زن دچار این بیماری شده است یا نه این است که اگر چیزی را بر رحم گذارد و بعد از مدتی بردارد، یک‌باره آب زیاد بیرون ریزد. برای درمان آن لازم است که داروهایی را استفاده کند که ادرارکننده و حیض‌گشاینده باشند که البته در این زمینه اگر خربق سفید را محمول کنند سود فراوان خواهد داشت.¹³¹ البته پزشک اگر تشخیص داد که به رگ زدن نیاز است، می‌تواند رگ بزند. علاوه بر این بیمار می‌تواند ورزش کند؛¹³² زیرا با ورزش کردن آبی که در رحم جمع شده است خارج خواهد شد. **باد رحم:** باد در زهدان یکی بیماری‌هایی است که بر رحم عارض می‌شود و مشکلاتی را برای زن به وجود می‌آورد. از دلایلی که باعث ظهور این بیماری می‌شود، می‌توان به سردی مزاج رحم اشاره کرد که یا از افتادن بچه یا خونی بسته شده در رحم، ایجاد می‌شود. در این زمان بیماری که به باد زهدان مبتلاست، همیشه و به‌ویژه در سرما احساس می‌کند که چیزی در زهدانش آویزان است. درد در طرف راست و گاهی طرف چپ زهدان احساس می‌شود.¹³³ و برآمدگی در پشت زهار و شکم خود احساس می‌کند. بهتر است طبیب معالج دستورهای علاجی زیر را به کار ببرد: از دواهایی که بادهایی را که در رحم بهم رسیده، به تحلیل می‌برند، تناول جوارش کمونیاست. هم‌چنین استفاده از تخم کرفس، رازیانه و انیسون. از هر کدام یک مثقال سفوف ساخته و تناول کند.¹³⁴ البته زیره به وزن یک درهم و مصطکی به وزن یک دانگ در ده درم آب بپزند و هر روز به وزن یک درهم و نیم دحمرثا را با این آب به بیمار بدهد که بخورد. غذای بیمار آب نخود و آب همراه رازیانه باشد.¹³⁵

زجا: از جمله بیماری‌هایی بود که تشخیص آن با حاملگی دشوار بود اما حکیمان اسلامی نه تنها می‌توانستند آن را تشخیص دهند، بلکه با روش‌های مختلف به درمان آن مبادرت می‌کردند. بهترین تعریفی که می‌شود برای آن کرد، این است: «زجا علتی است که حال زنان همچون حال آبستنان شود و گمان افتد که آبستنی هست و نباشد، لکن شکم بزرگ شود و شهوت اشتها کم می‌شود».¹³⁶ البته اخوینی، فرق بین زنی را که دچار این بیماری شده و کسی که آبستن است را این می‌داند که شکم باد کرده و سنگین شده است.¹³⁷ برای درمان آن لازم است

- 123- Avicenna, 1988: 386.
 124- Harani, 1999: 196.
 125- Baghdadi, 2011: 81.
 126- Jorjani, 1350: 774.
 127- Ibid.
 128- Razes, 1984: 106.
 129- Jorjani, 1350: 774.
 130- Avicenna, 1988: 395.
 131- Jorjani, 1350: 774.
 132- Avicenna, 1988: 395.
 133- Avicenna, 1988: 397.
 134- Baghdadi, 2011: 82.
 135- Avicenna, 1988: 397.
 136- Jorjani, 1350: 561.
 137- Akhawayni, 1992.

که به حب منتن و حب سکینج استفراغ‌ها کنند و هم چنین تریاق اربعه نیز در این زمینه سود دارد.¹³⁸ البته حکیم میسری، بهتر دانسته که برای درمان این بیماری بزر خردل را شیاف کند.¹³⁹ از جمله علاج‌های دیگر اینکه داروهایی چون ماء‌الاصول را با روغن بادام تلخ و روغن بیدانجیر استفاده کنند.¹⁴⁰

نزف رحم: از جمله بیماری‌های رحمی نزف رحم است که خطرناک است و باید زودتر درمان شود. در مورد این بیماری جز این جزله، پزشک دیگری به شرح علل و علامت‌های آن نپرداخته است. وی در مورد علل این بیماری ذکر می‌کند که به دلایلی چون ضعف بدن و قوت ماسکه رحم یا پاره شدن رگ خون ایجاد می‌شود. از علامت‌های مهم آن این است که خون بسیاری از رحم می‌آید و درمان آن معمولاً با فصد باسلیق امکان‌پذیر است.¹⁴¹

نتیجه‌گیری

در این مقاله، طیبیان و اندیشمندان اسلامی و بعضاً فارسی زبان معرفی شدند که در زمینه بیماری‌های زنان و زایمان، مقالات و کتاب‌هایی از خود برجای گذاشته‌اند. هم‌چنین بیماری‌ها و روش‌های درمانی آورده شده در آثار این طیبیان معرفی شد؛ درمان‌هایی که بعضاً ابتکار خود این طیبیان بود. علم پزشکی نوین بر وجود این بیماری‌ها و بعضاً روش‌های درمانی آن صحه گذاشته است.

حکیمان مسلمان بخش‌های مفصلی از کتاب‌های طبی خود را به موضوع طب زنان و بیماری‌های خاص آنان اختصاص داده‌اند و حتی رساله‌های مستقلی در این زمینه تالیف کرده‌اند و انواع بیماری‌های رحمی زنان را می‌شناختند و برای هر کدام از آن‌ها درمان‌های گیاهی، دارویی و حتی جراحی را تجویز می‌کردند. از جمله بیماری‌های که در کتاب‌های طبی اسلامی آورده شده است می‌توان به ترک زهدان، خارش زهدان، خوره زهدان، بواسیر زهدان، ناتوانی و درد رحم، سیلان رحم، قرحه زهدان، رتقاء یا انسداد زهدان، بیرون زدن زهدان، کج‌راهی زهدان، ورم رحم، خفگی زهدان، آب در زهدان، باد زهدان، رجا و نزف رحم اشاره نمود.

در این میان واقع بینی این پزشکان و به کاربردن روش‌های علمی در تشخیص و درمان این بیماری‌ها و دوری از اعتقادات خرافی و روش‌های جادویی، قابل توجه و اهمیت است. این در حالی است که در دنیایی پزشکی آن دوران، به کارگیری روش‌های خرافی و جادویی، روشی معمول و رایج بود. اما در آثار پزشکان مسلمان که در این مقاله، بررسی شد، نگاهی کاملاً علمی، حاکم بود.

References

- Akhawayni. [*Hedayat al Motaallemin fi Teb*]. Matini J, editor. Mashhad: Mashhad University Press. 1992. [in Persian]
- Avicenna. [*Al Qanoun fi Teb*]. Vol. 3. Translation Sharafkandi A. Tehran: Soroush Publishing. 1988. [in Persian]
- Baladi A. *Health and treatment of pregnant women, infants and children, translated poorniazi*. Tehran: Choghan Publication. 2013. [in Persian]
- Brown A. *History of Islamic Medicine*. Translation Rajabnia. Tehran: Cultural Scientific Publishing Company. 1958. [in Persian]
- Baghdadi Ibn J. [*Taghvim al-Abdan fi Tadbir al-Ensan*]. 1st Edition. Introduction by Babapoury. 2011. [in Persian]
- Bahadoran P, Alyzadh Sh. *Midwifery in Iran and the world, the first edition*. Isfahan : Isfahan University of Medical Sciences. 2012. [in Persian].
- Elgood CL. *Medicine in Safavid period*. Translated by Javidan M. Tehran: Tehran University Publication. 1978. p. 431. [in Persian].
- Gheshlaghi F. *History of Forensic Medicine and printing*. Isfaha:

- 138- Jorjani, 1350: 561.
139- Mysari, 1987:161.
140- Jorjani, 1350: 217.
141- Baghdadi, 2011: 81.



- Publication of Fine Arts, Isfahan University of Medical Sciences and Health Services. 2005. [in Persian].
- Harani S. [*Zakhireh fi elm teb*]. 1st edition. Translated by Faridi A. Byrout: Dar alkotob elmieh. 1999.[in Arabic].
- Halabi A. *The history of Islam*. Tehran: Asatir. 2003. [in Persian].
- Ibne Khaldun. [*Moghadameh Ibn Khaldun*]. 7th Edition. Translated by Gonabadi P. Tehran: Cultural Scientific Publications. 1990. [in Persian].
- Ibn abiosaibeh A. [*Oyoun alanba fi tabaghat ateba*]. Vol I. By the efforts of Qazban j, Najmabadi M. Tehran: Tehran University Publishing. 1970. [in Persian]
- Jorjani A. [*Zakhireh Kharazmshahi*]. Vol I. Edited by Daneshpajoh M, Afshar E. Tehran: Tehran University Publishing. 1973. [in Persian]
- Ldvmyh I. *Islamic Science and its role in Scientific Developments in the World of Printing*. Translated by Razavi A. Mashhad: Razavi Press. 1992. [in Persian]
- Mostafavi J, Pakdaman A. *Comparison between Iranian traditional medicine with modern medicine*. Tehran: Tehran University Press. 1979. [in Persian].
- Mojabi H. *Appointed to examine the texts Shiite medicine in medical history*. 1st Edition. Kermanshah: Razi University. 2006. [in Persian].
- Mysari H. *Encyclopedia of medicine*. By the efforts of Zanjani B. Under the supervision of Mohaqeq M. Tehran: Islamic Studies Institute Gyl- Mac Tehran. 1987. [in Persian]
- Najmabadi M. *The history of medicine in Iran after Islam*. 3rd Edition. Tehran: Tehran University Press. 1996. [in Persian]
- Pollock Y. *Travel Iran and Iranians*. 2nd edition. Translated by Jhandary K. Tehran: Khwarizmi. 1989. [in Persian].
- Qureshi A. [*Moalejate nafisi*]. Tehran: Publication of the Institute of History of Medicine and Medical Sciences and Health Services. 2004. [in Persian].
- Raban Tabari A. [*Ferdoso al-Hekmah*]. 1st Edition. Research and Isolated as Translated By Monzavi M. Tehran: Publication Chooghan; 2012. [in Persian].
- Razes. [*man la yahzaraho altabib*]. 1st Edition. Translated by Nafisi A. Tehran: Tehran University of Medical University. 1984. [in Persian].
- Razes. *Stories and anecdotes of patients*. Njmabadym Effort. Tehran: Tehran University Publishing. 1960. [in Persian].
- Shaharzani M. [*mizan ol teb*]. Edited by Nasiri H. Qom: Sama Cultural Institutions. 2001. [in Persian].
- Sarmadi MT. *Medical History of the World*. Vol. I. Tehran: Sarmadi Press. 2000. [in Persian].
- Shirazi M. [*Mansouri Tashrih*]. Efforted by Razavi H. Tehran: Publication of the Institute of Islamic Studies at Mc Gill University. 2004. [in Persian].
- Sabzevar. *Rules on Treatment of all diseases*. 1st Edition. Corrected by Beig Babapoor. Tehran: Treasures of the House of Parliament. 2011. [in Persian].



Sezgin F. *History of Written in Arabic*. 1st Edition. Vol. 3. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. 2001. [in Persian].

Vaseti N. *History of the relationships between medicin Iran and Pakistan*. 1st Edition. Tehran: Iran University of Medical Sciences. 2003. [in Persian].

Velayati AA. *History Culture and Civilization of Islam*. 2nd Edition. Qom: Publishing Education. 2011. [in Persian].

Zahravi A. [*altasrif Lehman azaz an talif*]. Translated by Aram A, Mhqe M. Tehran: Tehran University Publishing Institute of Islamic Studies. 1993. [in Persian]

Zidane J. *Civilization of Islam*. 2nd Edition. Translated by Javaherkalam A. Tehran: Amir Kabir University. 1957. [in Persian]

